

تحلیل فازی تنوعات تجربی توسعه اقتصادی بر اساس جایگاه نخبگان استان‌ها در ساختار سیاسی معاصر ایران

محمود تیموری^۱

حسین اکبری^{۲*}

حسین میرزائی^۳

محمد مبارکی^۴

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است که با استخراج مسیر علی عطفی و ترکیبی، شروط تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی بر مبنای تنوع تجربی نقش نخبگان استان‌ها در ساختار سیاسی معاصر ایران، احصاء گردد. روش این مطالعه، تطبیقی- کیفی بوده و جهت کنترل شرایط نظیر جایگاه نخبگان استان‌ها در ساختار سیاسی معاصر ایران، مجموعه داده‌های ۹ استان دارای نخبه سیاسی تأثیرگذار با استفاده از رهیافت منطق فازی مورد تحلیل قرار گرفته است. آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی استان‌ها بر اساس جایگاه نخبگان استان در ساختار سیاسی وجود دارد. نتایج شرایط لازم و کافی منفرد نیز نشان داد که شرط ساختار فرصتی (بیرونی) و سرمایه فرهنگی شرط کافی بروز نتیجه (توسعه اقتصادی) و سایر شروط علی هر یک به تنهایی شرط لازم است. در علیت‌های عطفی و ترکیبی، پنج مسیر متعدد علی، بر اساس معیارهای کفایت نظری و تجربی (ضریب پوشش و سازگاری) دارای اهمیت نظری و تجربی لازم است و در میان ترکیب‌های علی مهم که شاخص سازگاری و پوشش مناسب هستند، دو شرط توسعه فرهنگی و فرصت‌های صنعتی و معدنی مشترک است و به‌عنوان شرط لازم نهایی شناخته شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل فازی، تنوعات تجربی، توسعه اقتصادی، نخبگان سیاسی، ایران.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
teimouri.mahmoud@mail.um.ac.ir

۲- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول)
h-akbari@um.ac.ir

۳- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
hmirzaei@um.ac.ir

۴- استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران
mobaraki_md@yazd.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

عملکرد اقتصادی بیشتر کشورهای در حال توسعه در چند دهه گذشته نشان می‌دهد که این کشورها موفقیت چندان در دستیابی به رشد و توسعه پایدار اقتصادی و رفع نابرابری‌های فضایی کسب نکرده‌اند. در حالی که توسعه در یک معنا، تعادل در ساختار فضایی و درصدد یافتن پاسخی برای نابرابری منطقه‌ای داخل کشورها می‌باشد، کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دستاوردها و امکانات جامعه، از مهم‌ترین معیارهای توسعه به‌شمار می‌رود (کاتچراور^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). در ایران نیز با وجود ماده ۴۸ قانون اساسی کشور مبنی بر رشد و توسعه متوازن همه استان‌های کشور و عدم تبعیض در برخورداری استان‌ها از منابع و امکانات کشوری و نیز وجود بندها و مواد قانونی قابل توجه مندرج در قوانین و اسناد توسعه‌ای کشور از قبیل سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور در خصوص لزوم توسعه متوازن استانی و کاهش فاصله میان استان‌های محروم و برخوردار، در عمل اتفاقی معکوس رخ داده است و برخی استان‌ها با وجود قابلیت‌های نسبی توسعه‌ای، نه تنها هم‌چنان از محرومیت قابل توجه رنج می‌برند که حتی حسب بررسی شاخص‌های کلیدی اقتصادی، شکاف توسعه‌ای میان این استان با اغلب استان‌های کشور افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). خوب است به یاد آوریم در سال ۱۳۹۴ شکاف درآمد سرانه بین دو استان همجوار یزد و خراسان جنوبی ۳۰۰ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). از لحاظ میزان درآمد سرانه بدون نفت نیز، استان یزد در رتبه سوم و استان خراسان جنوبی در رتبه بیست و ششم قرار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). چنین شکاف فاحشی را به سختی می‌توان با منابع طبیعی، توضیح داد، چراکه بسیاری از استان‌های کشور به لحاظ منابع طبیعی و شرایط جغرافیایی، شباهت زیادی دارند. ما باید نتیجه بگیریم که در این میان عوامل و شروط دیگری نقش بازی می‌کند، همچنان که برخی از پژوهش‌ها ترکیبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی را در تقویت توسعه برابر فضایی در نظر می‌گیرند (استالبراست^۲، ۲۰۱۲؛ بویلاکوا^۳، ۲۰۱۴). باید اذعان نمود که توسعه اقتصادی اغلب دارای روندی تاریخی و بلندمدت است و از شرایط خاص هر جامعه‌ای تأثیر می‌پذیرد. در تبیین توسعه اقتصادی، فارغ از هر رویکرد نظری، می‌توان دو دسته تبیین را از یکدیگر بازشناخت: تبیین ساختارمحور و عاملیت محور (بشیریه، ۱۳۸۴؛ یزدانی‌نسب و اسدنژاد، ۱۳۹۵). در نظریه‌های ساختاری به زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته می‌شود ولی در نظریه‌های عاملیت‌محور به نقش آگاهانه نیروها و کارگزاران اجتماعی و سیاسی و ... توجه دارد (بشیریه،

1- Kutscherauer

2- Stahlbrost

3- Bevilacqua

۱۳۸۴: ۲۴-۲۵). لذا تغییرات ساختاری فقط براساس وضعیت عواملان تغییر در مقایسه با دیگر عواملان قابل پیش‌بینی و تحلیل است. در واقع، تحلیل‌های عاملیت‌محور ترقی و تعالی یا سقوط و فروپاشی هر کشور را به نقش نخبگان، وابسته می‌داند و اندیشه و تفکر آن‌ها در اجرای برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و چگونگی تحقق خواست‌های مردم به میزان تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی موثر می‌باشد (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۱۷۰). این مطالعه بر مبنای تعریفی که از نخبگان ارائه می‌کند، رویکردی تلفیقی اتخاذ کرده است و سعی دارد دو دیدگاه «عاملیت-محور» و «ساختار-محور» در تبیین توسعه اقتصادی را به هم نزدیک کند. لذا با تأکید بر تصمیمات و کنش بازیگران اصلی یا همان نخبگان شاخص سیاسی و در نظر داشتن تأثیر ساختارها، اعم از درونی و بیرونی بر فرایند تصمیم‌گیری نخبگان، به تبیین توسعه اقتصادی بپردازد. در این مطالعه نقش سطوح خرد و کلان در تعامل با نخبگان و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی استان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع، تأکید ما بر نقش و جایگاه نخبگان است که توانایی تغییر در محیط پیرامون خود را دارند (یزدانی‌نسب، ۱۳۹۵: ۱۳؛ یزدانی‌نسب و اسدزاده، ۱۳۹۵). چراکه «قدرت عاملیت نخبگان جامعه تابعی از ضرایب تواناسازی و محدودسازی ساختار درونی جامعه است و در مقابل ساختار درونی جامعه متأثر از قدرت عاملیت نخبگان جامعه است. ساختار بیرونی جامعه هم می‌تواند سبب افزایش یا کاهش قدرت عاملیت نخبگان جامعه شود یا آن‌که همزمان اثر دوگانه و متضاد بر آن داشته باشد. در عوض قدرت عاملیت نخبگان جامعه می‌تواند بالقوه موجبات تقویت ساختار بیرونی جامعه را فراهم کند و یا در بلندمدت اثر تخریبی بر آن داشته باشد» (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۱۳) بنابراین در این مطالعه تعامل دوگانه عاملیت و ساختار و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفت.

با اتخاذ این رویکرد، برآنیم که بدانیم چرا استان‌های ایران به لحاظ توسعه‌ی اقتصادی جایگاه کاملاً متفاوتی تجربه کرده‌اند؟ در حقیقت از یک سو می‌خواهیم بدانیم توسعه‌ی اقتصادی بین استانی در ایران چگونه است. و از سویی دیگر به منظور بررسی شروط زمینه‌ای مؤثر بر سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی استان‌ها با دقت نظری و تجربی بیشتر، تحلیل علی برحسب گروه‌بندی استان‌ها انجام شده است؛ هدف از تحلیل علی برحسب گروه‌بندی، کنترل بسترهای مؤثر و مهم در بروز نتیجه (سطح توسعه اقتصادی استان‌ها) و شناسایی ترکیب‌های علی متنوع برحسب سیستم‌های تجربی متفاوت بوده است. برش مبنای گروه‌بندی عبارت از «جایگاه نخبگان استان‌ها در ساختار سیاسی معاصر ایران» است. در واقع مراد از این بخش این است که به بررسی شروط زمینه‌ای در این زیر نمونه‌ها با کنترل شرایطی نظیر جایگاه نخبگان استان‌ها در ساختار سیاسی معاصر ایران پرداخته شود.

چارچوب نظری پژوهش

نظریات توسعه اقتصادی را می‌توان در قالب‌های متفاوت دسته‌بندی کرد از آن‌جمله؛ دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک و گذار تاریخی جوامع، مکتب نوسازی، مکتب وابستگی و مکتب نظام جهانی، توسعه منطقه‌ای و چرخش فرهنگی. از آن‌جا که نظریه جامعه‌شناسی اقتصادی پیر بوردیو جامع این نظریات است، به عنوان چارچوب نظری پژوهش در تبیین توسعه اقتصادی انتخاب شد. بخش نخست تحلیل بوردیو به تحلیل «میدان اقتصادی» اختصاص دارد و بخش دوم آن به «عادتواری اقتصادی»، سومین مفهوم کلیدی بوردیو، سرمایه، با مفهوم میدان بسیار مرتبط است. ساختار میدان اقتصادی توسط حجم و ساختار سرمایه‌ها تعیین می‌شود. بسیاری از انواع متفاوت سرمایه نیز وجود دارد که بخشی از میدان اقتصادی است (بوردیو، ۲۰۰۵: ۱۹۷).

بوردیو عادتواری اقتصادی را به مثابه نظامی از تمایلات^۱ می‌داند که به عنوان نوعی پوشش فرهنگی و اجتماعی میان کنشگر و واقعیت عمل می‌کند. بوردیو هم‌چنین به خواندگانش می‌گوید که عادتواری کنشگر اقتصادی به سختی نمایان می‌شود، زیرا اغلب با ساختار اقتصادی جامعه به دقت تطبیق دارد. چنان که هرچند میان این دو تفاوتی وجود دارد، تنها در موقعیت‌های خاص [این عادتواری] آشکار می‌شود؛ نظیر وقتی که کنشگران، منش اقتصادی‌ای دارند که با واقعیت‌های اقتصادی‌ای که در آن زندگی می‌کنند منطبق نیست. نمونه‌ی آن الجزایری‌هایی بودند که در دهه‌ی ۱۹۵۰ به شهرهایی مهاجرت کردند، که مقامات استعمارگر ساختارهایی سرمایه‌دارانه در آن‌ها ایجاد کرده بودند. حتی سالمندان نیز ممکن است در صورتی که اقتصاد با آن‌چه تاکنون بوده متفاوت شود، عادتواری‌های اقتصادی تازه‌ای کسب کنند (بوردیو، ۲۰۱۷: ۵۹-۶۶). بوردیو، از عادتواری اقتصادی در کار و کارگران بیش از همه به مفهوم «زمان» اشاره می‌کند (بوردیو و همکاران، ۱۹۶۳). نگاه به آینده در یک جامعه سنتی با آن‌چه در یک جامعه سرمایه‌داری وجود دارد متفاوت است. در اولی، می‌خواهی آنچه همیشه انجام می‌شده است را تکرار کنی؛ و آینده ضرورتاً قرار است تداوم یابد. در مقابل، در یک جامعه‌ی سرمایه‌داری، آینده فتح و مهار می‌شود^۲. کارگر و سرمایه‌دار هر دو می‌کوشند معنایی از مهار کردن آینده را شکل دهند و به عنوان بخشی از این کار، آن را به زمان حال مرتبط کنند. مبحث مهم دیگر «رنج» است (که در کارهای متأخرش از آن با ترکیب «رنج اجتماعی»^۳ یاد می‌کند). فقیرترین کارگران شهری (زیر-پرولترها) نه فقط از محرومیت اقتصادی، بلکه از فقدان روابط شخصی و نیز از

1- System of Dispositions

2- The future is to be conquered and controlled

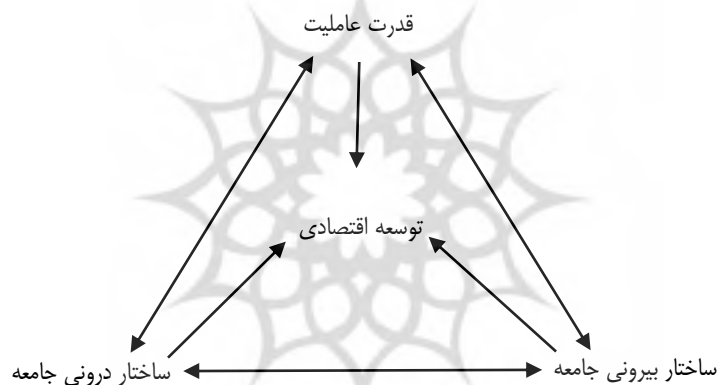
3- Social Suffering

داشتن یک زندگی روزمره‌ی نابسامان رنج می‌کشند. برای تلافی کردن این رنج، آن‌ها گذشته را می‌ستایند و به درون آن چیزی عقب‌نشینی می‌کنند، که بورديو آن را «سنت‌گرایی تحمیلی»^۱ می‌خواند در برابر «سنت‌گرایی سنتی»؛ (بورديو و همکاران، ۱۹۶۳: ۳۶۶). همچنین بورديو آن‌گونه‌ای از «خرد اقتصادی» را که برای یک تحلیل مناسب ضروری است، تشریح می‌کند. او می‌گوید در جهان واقعی، کنشگران اقتصادی «انتظارات معقول (خرمدانده)»^۲ دارند، نه «انتظارات عقلانی» (بورديو، ۲۰۰۵: ۲۱۴). آنان این کار را به کمک عادت‌واره‌شان انجام می‌دهند، چیزی که به آنان کمک می‌کند بر موقعیت‌های عملی توأم با عدم اطمینان چیره شوند. به روال همیشگی، کنشگران بورديو از طریق ترکیبی از محدودیت و خودانگیختگی^۳ با واقعیت روبرو می‌شوند، نه از طریق «حساب منطقی ریسک»، چنان که اقتصاددانان تصور می‌کنند (بورديو، ۲۰۰۵: ۲۱۵) بنابراین محدودیت اقتصادی از خلیات اقتصادی مردم تأثیر می‌پذیرد. رفتار اقتصادی متأثر از فهمی است که مردم از کنش‌های اقتصادی خود دارند؛ و این فهم شامل ارزش‌ها و اخلاقیات هم می‌شود (سوئدبرگ^۴، ۲۰۱۱؛ لبارن^۵، ۲۰۰۴؛ استوینمیتز^۶، ۲۰۱۱). با توجه به مقدمات فوق گزاره‌های اصلی نظریه اقتصادی پیربورديو را می‌توان به شرح ذیل صورت‌بندی کرد:

- توسعه اقتصادی، تابعی از کنش اقتصادی کنشگران است.
 - کنش اقتصادی کنشگران، تابعی از عادت‌واره اقتصادی کنشگران (خلقیات سرمایه‌دارانه، اخلاق اعتبار، سنت‌گرایی و قناعت‌پیشگی) است.
 - عادت‌واره اقتصادی کنشگران تابعی از ساختارهای اقتصادی (رنج اجتماعی، محرومیت اقتصادی، بنگاه‌های سنتی خانوادگی، حجم و ساختار سرمایه‌ی اقتصادی) و ساختارهای فرهنگی (حجم و ساختار سرمایه‌ی فرهنگی) است.
- براساس چارچوب نظری پژوهش از الگوی علی مثلثی چلبی (۱۳۷۵) بهره گرفته خواهد شد که قدرت عاملیت و ساختارهای درونی و بیرونی جامعه را در برمی‌گیرد (شکل ۱). چلبی معتقد است که قدرت عاملیت تابعی از ضریب تواناسازی و محدودسازی ساختار درونی و در مقابل ساختار درونی نیز متأثر از قدرت عاملیت است. ساختار بیرونی جامعه نیز می‌تواند همزمان به مضایق و امکانات ساختار درونی جامعه بیفزاید و به نوبه خود از آن تأثیر پذیرد. هر قدر ضریب

1- Forced Traditionalism
 2- Reasonable expectations
 3- Spontaneity
 4- Swedberg
 5- Lebaron
 6- Steinmetz

تواناسازی ساختار درونی بیشتر باشد، میزان تأثیرپذیری ساختار بیرونی جامعه نیز بیشتر خواهد بود. از نظر وی، ساختار بیرونی جامعه می‌تواند سبب افزایش و یا کاهش قدرت عاملیت شود و یا آن‌که همزمان اثر دوگانه و متضاد بر آن داشته باشد. در عوض، قدرت عاملیت می‌تواند بالقوه موجبات تقویت ساختار بیرونی جامعه را فراهم کند و یا در بلندمدت اثر تخریبی بر آن داشته باشد. به هر حال، میزان این تأثیر بستگی به میزان قدرت عاملیت (نخبگان، عادت‌واره اقتصادی و کنش اقتصادی) دارد. بدیهی است هر قدر میزان قدرت عاملیت و میزان تواناسازی ساخت‌های درونی و بیرونی جامعه بیشتر باشد، به همان نسبت میزان توسعه‌ی اقتصادی افزایش می‌یابد (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۱۴-۳۱۲). شکل ۱، این الگوی علی را منعکس می‌کند.



شکل شماره ۱. الگوی علی مثلثی توسعه اقتصادی

(منبع: چلبی، ۱۳۷۵: ۳۱۴-۳۱۲)

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، مبتنی بر روش تطبیقی-کیفی است و تکنیک تحلیلی مورد استفاده، منطق فازی^۱ می‌باشد. رویکرد فازی در روش تطبیقی-کیفی، معرفی‌کننده شیوه مطالعه‌ای است که با آن، محقق می‌تواند فارغ از مطالعه‌های عمیق و کیفی، از منطق ریاضی و ملاک‌های کمی نیز استفاده کند. خروجی‌های این روش، به‌عنوان مدل‌های ریاضی، بر مبنای شروط منطقی لازم و کافی بوده است و به‌طور ماهوی با خروجی‌ها و مدل‌های ریاضی در روش کمی متفاوت هستند. در روش تطبیقی فازی، مهمترین ویژگی تحلیل نهایی، فارغ از آزمون فرضیه‌های تحقیق، ارائه تعلیل (علت‌یابی) ساختاری، کشف دستورالعمل علی و چگونگی ترکیب شرایط متنوع برای متغیر نتیجه است (راگین^۲، ۲۰۰۸). در این پژوهش سطح تحلیل کلان بوده و رویکرد تطبیقی مورد

1- Fuzzy

2- Ragin

محور^۱ اتخاذ شده است. در پی آن هستیم که بدانیم یک متغیر در ترکیب با چه متغیرهایی و در چه مواردی منجر به نتیجه می‌شود. روابط علی موارد تحت بررسی، بر حسب روابط مجموعه‌هاست نه هم تغییری بین متغیرها و با استفاده از رهیافت فازی، احصاء شرایط لازم و کافی وقوع نتیجه، شناخت ساختار و سازوکارهای علی از طریق ترکیبات علی مسیرهای مختلف مدنظر است (راگین^۲، ۱۳۹۴: ۴۱-۳۶).

آزمون فرضیات به روش فازی نیز ناظر بر تعیین درجه صدق و کذب عضویت در مجموعه است. تحلیل علی بر مبنای این رهیافت مبتنی بر زیرمجموعه یا روابط بین مجموعه‌های فازی است. در این میان حداقل سه عدد آن برجسته است. یکی عدد صفر که عدم تعلق^۳ (عدم عضویت کامل) عنصر را می‌رساند. در مقابل عدد یک عضویت کامل^۴ را نشان می‌دهد و نقطه تقاطع^۵ یعنی ۰/۵ نشان‌دهنده آن است که عنصر مربوطه هم عضو زیرمجموعه هست و هم نیست (راگین، ۲۰۰۸؛ به نقل از چلیبی، ۱۳۸۸). بر این اساس می‌توانیم وضعیت یک استان را نسبت به یک استان دیگر یا از میانگین استان‌ها، تشخیص دهیم. در مطالعه حاضر با استفاده از داده‌های موجود با روش واسنجش، توابع عضویت فازی متغیرهای مورد بررسی (متغیر نتیجه و شروط علی) تعیین شد. برای تعیین توابع عضویت ابتدا داده‌های کمی گردآوری شد و اقدام به تشکیل یک بانک داده‌ی مادر شد و سپس با توجه به تحلیل‌های آماری مربوط به نوع‌شناسی و خوشه‌بندی موارد و با استفاده از دانش محتوایی، نقاط برش تعیین شد. به این ترتیب مقیاس‌های کمی مرسوم تبدیل به نمرات فازی شده و براساس آن تحلیل‌های فازی صورت پذیرفت. به عبارت دیگر، پس از تعیین نقاط آستانه، عضویت کامل، تقاطع و عدم عضویت کامل برای شروط علی و نتیجه با استفاده از نرم‌افزار مجموعه فازی (FS/QCA)، توابع عضویت فازی و شروط واسنجی برای متغیر نتیجه و شروط علی به نرم‌افزار داده شده و با محاسبه نمرات فازی توسط نرم‌افزار مربوطه، با ایجاد الگوریتم صدق و کذب فازی، ترکیب‌های ممکن شرایط علی در بین موارد به دست آمد. در رهیافت منطق فازی برای ارزیابی شرط لازم و کافی از اصل زیرمجموعه استفاده شد. نمودارهای XY نمرات فازی شاخص ضرورت و کفایت نسبت نمرات فازی در ارتباط با رابطه نظری را بررسی می‌نمایند. بعد از تعیین لازم یا کافی بودن شرط ابتدا شاخص سازگاری (اهمیت نظری) شرط بررسی و در صورت بالا بودن شرط سازگاری (بالای ۰/۷۵) شرط از نظر شاخص پوشش (اهمیت تجربی) بررسی شد و در صورت مناسب بودن شاخص پوشش

1- Case-oriented comparative approach

2- Ragin

3- Non-membership

4- Full-membership

5- Cut-point

شرط به عنوان یک شرط لازم یا کافی انتخاب شد (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۴۳). شرط لازم آن است که نتیجه زیرمجموعه شرط باشد و شرط در صورتی کافی است که آن شرط زیرمجموعه نتیجه باشد. شرط لازم نشان می‌دهد که حضور شرط برای نتیجه ضروری است. درحالی که شرط کافی نتیجه موردنظر را ایجاد می‌نماید (راگین، ۱۳۹۴: ۶۴؛ چلیبی، ۱۳۸۸). همچنین با استفاده از نرم‌افزار FS/QCA و تحلیل به روش Truth Table Algorithm به واکاوی ترکیب‌های علی پرداخته شد. از میان ترکیب‌های گوناگون ارائه‌شده، ترکیب‌هایی که دارای شاخص سازگاری مناسبی بودند (آستانه‌ی ۰/۷۵ به‌عنوان سطح قابل قبول نظری) به‌عنوان ترکیب‌های علی نهایی معرفی شدند.

روش گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر داده‌های موجود (تحلیل ثانویه) و تحقیقات انجام‌یافته در باب جوامع تحت مطالعه است. دلیل اصلی استفاده از این روش، وسعت موضوعی و نظری پژوهش فوق می‌باشد؛ انجام یک مطالعه تطبیقی آن هم در سطح استان‌های کشور نمی‌تواند جز با پشتوانه داده‌های ثانویه و نتایج پیمایش‌های ملی گوناگون صورت گیرد. لازم به ذکر است که منبع داده‌های مورد استفاده به تفکیک هر یک از متغیرها، در جدول شماره یک ذکر شده است.

جدول شماره ۱: تحلیل عاملی تاییدی و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان مرتبه اول

منبع داده‌ها	شاخص
سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران	تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه بدون نفت، مصرف انرژی در بخش صنعت، نسبت شاغلان در بخش صنعت، تعداد معادن، تعداد کارگاه‌های صنعتی، میانگین دما، سرمایه‌گذاری خارجی، مهاجرت نخبگان
کمرگ جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)	میزان صادرات استان‌ها
طرح سنجش فرهنگ عمومی کشور (غیر ثبتی - ۱۳۹۲)	دریافت وام، عضویت در کتابخانه‌های عمومی، مطالعه روزنامه، سرانه مدت زمان مطالعه
گزارش سرمایه اجتماعی وزارت کشور (۱۳۹۴)	پذیرش ریسک نسبه و قرض، پذیرش ریسک ضمانت بانکی، منفعت‌طلبی، فرصت‌طلبی و سوء استفاده از موقعیت، استفاده از فرصت‌های اقتصادی، شهرنشینی، اعتماد سازمانی، گذشت، خیرخواهی و کمک به یکدیگر، رعایت حقوق دیگران، سرمایه اجتماعی خرد، تعاون‌گرایی، عام‌گرایی، اعتماد عمومی، ارزیابی از آینده اقتصادی، آینده‌نگری، وقت‌شناسی در کار، سخت‌کوشی

ادامه جدول شماره ۱:

منبع داده‌ها	شاخص
پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها (۱۳۹۴)	آز و ولع اقتصادی، تأثیر شانس بر فقر، تقدیرگرایی، تأثیر شانس و اقبال در زندگی، مصرف متظاهرانه، تجمل‌گرایی، وضع طبقاتی افراد، گرایش به تغییر وضع موجود، تمایل به زندگی در کشور دیگر، اهمیت کار، وجدان کاری، عدم رعایت انصاف، روابط ابزاری، بی توجهی به روابط دوستانه در معاملات، گستردگی روابط ابزاری، سودجویی، نقش زنان در اقتصاد خانواده، اعتقاد اشتغال زنان، بی توجهی به فقر خانوادگی، زمان صرف شده برای مطالعه
طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی (۱۳۹۵)	هزینه‌های غیرخوراکی یک خانوار شهری و روستایی، جمع درآمد یک خانوار شهری و روستایی، استفاده‌کنندگان از لوازم عمده زندگی
جهاد کشاورزی (۱۳۹۶)	میزان تولید محصولات زراعی، سطح زیرکشت محصولات زراعی، میزان تولید محصولات باغی، سطح زیرکشت محصولات باغی کشور در سال زراعی
سازمان برنامه و بودجه ۱۳۹۵-۹۸	سهم استان‌ها از بودجه ۹۵-۹۸
مطالعات تاریخی	قدمت آموزش نوین، قدمت آموزش عالی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۵)	نسبت دانشجویان در مقاطع مختلف، نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی

روش اندازه‌گیری و اعتبارسنجی مدل‌های اندازه‌گیری

مراد از توسعه اقتصادی در این پژوهش وضعیت مطلوبی برای جامعه است که آن جامعه به شاخص‌های مشخصی مانند درآمد و رفاه بالاتر، توزیع مناسب‌تر، کاهش قابل توجه بیکاری، رفع کامل فقر مطلق و بهبود قابل توجه فقر نسبی دست یافته باشد.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، از روش دو مرحله‌ای هالاند^۱ (۱۹۹۹) و برای مدل‌یابی از روش حداقل مربعات جزئی^۲ استفاده شده است که شامل تعیین مدل اندازه‌گیری از طریق برآورد روایی و پایایی است. برآورد روایی و پایایی روش‌های تأییدی هماهنگی داده‌ها با یک ساختار عاملی معین را بررسی می‌نمایند. در واقع، تحلیل عاملی تأییدی شایستگی گویه‌هایی که برای معرفی متغیرها برگزیده شده‌اند را بررسی می‌کند. به منظور بررسی روایی با استفاده از اعتبار سازه^۳ مدل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که برای سنجش آن از دو اعتبار همگرایی^۱ و اعتبار

1- Hulland

2- Partial Least Squares (PLS)

3- Construct Validity

افتراقی^۲ استفاده می‌شود. در اعتبار همگرا هر یک از بارهای عاملی (ضرایب رگرسیونی) می‌بایست معنادار و از $0/4$ بزرگتر یا مساوی باشد. در غیر این صورت باید حد مطلوب و قابل قبول پایایی مرکب^۳ (CR) و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مورد بررسی قرار گیرد. در اعتبار افتراقی، به منظور بررسی عدم همپوشانی بین سازه‌های پرسشنامه در ارتباط با گویه‌های مورد سنجش آن، کواریانس بین هر دو سازه نبایستی بیشتر از $0/9$ باشد. جدول زیر نتایج تحلیل عاملی تأییدی گویه‌های مورد استفاده را به تفکیک حوزه‌های پژوهش نشان می‌دهد. تمام گویه‌ها، مناسب می‌باشد. برای بررسی اعتبار (روایی) مدل‌های اندازه‌گیری از روش اعتبار همگرا استفاده می‌شود. اعتبار همگرا به این معناست که مجموعه شاخص‌ها، سازه اصلی را تبیین می‌کنند. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده از متوسط واریانس استخراج شده (AVE) را به عنوان معیاری برای اعتبار همگرا پیشنهاد می‌کنند. حداقل AVE معادل $0/5$ بیانگر اعتبار همگرای کافی است، بدین معنا است که متغیر پنهان مورد نظر حداقل 50 درصد واریانس مشاهده‌پذیرهای خود را تبیین می‌کند. یعنی یک متغیر مکنون می‌تواند به طور میانگین بیش از نیمی از پراکندگی شاخص‌هایش را تبیین کند. مقادیر AVE سازه‌های مدل در جدول زیر درج شده است. در مدل‌سازی مسیری PLS دو معیار برای اعتبار واگرا یا افتراقی مطرح شده است: معیار فورنل-لارکر و آزمون بارهای عرضی^۴، با توجه به اینکه متغیرهای مورد بررسی مرتبه دوم هستند، مدل مرتبه دوم بررسی شد و نتایج معناداری ابعاد هر متغیر در جدول زیر نمایش داده شده است. با توجه به نتایج مندرج در جدول ذیل، سازه‌ها دارای متوسط واریانس استخراج شده در حد مطلوب بوده و میزان پایایی ترکیبی مناسبی دارند. پس از ارزیابی مدل اندازه‌گیری تحقیق و تبیین مولفه‌ها، لازم است تا سازگاری درونی و نیز اعتبار مدل مورد سنجش قرار گیرد. برای این منظور در الگوسازی معادلات ساختاری از پایایی سازه و واریانس استخراج شده استفاده می‌شود. در ادامه سازگاری درونی مدل و اعتبار مدل بر این اساس سنجیده شده است. سازگاری درونی یا پایایی سازه این امکان را فراهم می‌سازد تا سازگاری درونی شاخص‌هایی که یک مفهوم را می‌سنجند بررسی شود. به عبارت دیگر، پایایی سازه نشان می‌دهد متغیرهای مشاهده شده (شاخص‌ها) با چه دقتی متغیر پنهان (مکنون) را می‌سنجند. برای اندازه‌گیری پایایی مدل در PLS از شاخص پایایی مرکب یا ترکیبی (CR) استفاده می‌شود. پایایی مرکب هم بنا به گفته فورنل و لارکر (۱۹۸۱) می‌بایست $0/7$ یا بالاتر باشد که نشان از کافی بودن سازگاری درونی می‌باشد. بر اساس نتایج جدول دو، ملاحظه می‌شود که ضرایب پایایی ترکیبی همگی بالاتر از $0/7$ بوده و نشان

1- Convergent Validity
2- Discriminant Validity
3- Composite Reliability

حد مطلوب برای روایی مرکب $CR > 0/7$ و حد قابل قبول $CR > 0/6$ می‌باشد (Byrne, 2010)

4 Cross-Loading

دهنده‌ی پایا بودن ابزار اندازه‌گیری می‌باشند. طبق نتایج جدول ذیل، دو شاخص AVE و CR سازه‌های مورد بررسی نیز در محدوده مطلوب قرار دارند، بنابراین اعتبار گویه‌ها مطلوب است.

جدول شماره ۲: تحلیل عاملی تاییدی و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان مرتبه اول

متغیر	شاخص	بار عاملی	آماره T	AVE	CR
توسعه اقتصادی	تولید ناخالص داخلی	۰/۷۸۳۶	۱۶/۷۶۱۶	۰/۵۸۰۵	۰/۸۹۰۷
	درآمد سرانه بدون نفت	۰/۷۴۶۹	۱۵/۳۸۹۲		
	مصرف انرژی در بخش صنعت	۰/۸۴۴۱	۲۵/۳۶۴۸		
	نسبت شاغلان در بخش صنعت	۰/۸۸۹۵	۱۴/۹۷۱۴		
عادت‌واره اقتصادی (اخلاق اعتبار)	میزان صادرات استان‌ها ۱۳۹۳	۰/۶۹۸۹	۱۱/۴۳۰۲	۰/۶۹۷۸	۰/۹۱۹۳
	پذیرش ریسک نسبه و قرض	۰/۹۱۹۹	۳۱/۶۶۲۶		
	دریافت وام	۰/۸۲۴	۱۸/۱۸۷۵		
عادت‌واره اقتصادی (عقلانیت اقتصادی)	پذیرش ریسک ضمانت بانکی	۰/۹۴۹	۵۴/۱۲۹۶	۰/۷۰۲۱	۰/۹۲۱۳
	منفعت‌طلبی	۰/۷۲۷۵	۳/۲۷۴۱		
	آز و ولع اقتصادی	۰/۸۳۴۲	۳/۲۱۶۸		
	استفاده از فرصت‌های اقتصادی	۰/۹۱۱۵	۳/۶۰۹۷		
عادت‌واره اقتصادی (سنت‌گرایی تحمیلی)	فرصت‌طلبی و سوء استفاده از موقعیت	۰/۸۳۹۸	۳/۰۵۴۹	۰/۶۵۸۳	۰/۹۰۵۱
	تأثیر شانس بر فقر	۰/۸۲۸۷	۴/۵۴۷۳		
	تقدیرگرایی	۰/۸۵۲۲	۵/۴۸۸۸		
عادت‌واره اقتصادی (قناعت‌پیشگی)	تأثیر شانس و اقبال در زندگی	۰/۹۲۴۴	۵/۷۴۴۵	۰/۷۴۲۶	۰/۷۶۹۵
	مصرف متظاهرانه	۰/۶۰۰۳	۲/۴۱۳۳		
	تجمل‌گرایی	۰/۷۰۱۱	۲/۵۱۹۵		
	هزینه‌های غیرخوراکی یک خانوار شهری	۰/۵۶۷۵	۲/۲۶		
شهرنشینی	هزینه‌های غیرخوراکی یک خانوار روستایی	۰/۷۸۲۳	۱۶/۴۸۵	-	-
	شهرنشینی	-	-		
شبکه روابط و اعتماد اجتماعی	اعتماد سازمانی	۰/۸۲۹۳	۵/۶۹۲۴	۰/۶۶	۰/۷۸۸۸
	گذشت	۰/۶۷۷۴	۹/۰۷۹		
	خیرخواهی و کمک به یکدیگر	۰/۶۷۳۳	۳/۷۸۸۱		
	رعایت حقوق دیگران	۰/۶۴۳۶	۳/۹۴۴۴		
	سرمایه اجتماعی خرد	۰/۶۷۸۹	۴/۱۴۸۲		
	تعاون‌گرایی	۰/۷۷۷۳	۷/۹۷۲		
	عام‌گرایی	۰/۸۲	۷/۴۸۴۴		
	اعتماد عمومی	۰/۷۴۹۸	۱۳/۵۲۵		

ادامه جدول شماره ۲:

متغیر	شاخص	بار عاملی	آماره T	AVE	CR
ساختار فرصتی (کشاورزی)	میزان تولید محصولات زراعی	۰/۶۷۹۵	۸/۴۳۷	۰/۷۳۴۷	۰/۷۴۵۹
	سطح زیرکشت محصولات زراعی	۰/۷۷۹۵	۱۲/۶۶۵		
	میزان تولید محصولات باغی	۰/۷۲	۵/۷۱۱۱		
	سطح زیرکشت محصولات باغی کشور در سال زراعی	۰/۶۷۲۶	۴/۰۶۴۴		
ساختار فرصتی (محیطی)	میانگین دما	۰/۷۰۹۴	۸/۱۹۰۷	۰/۶۹۳۲	۰/۷۹۳۸
	میانگین بارندگی	۰/۷۰۴۹	۱۱/۲۰۵۷		
ساختار فرصتی (صنعتی و معدنی)	تعداد معادن	۰/۷۶۷۸	۱۶/۴۵۷۲	۰/۶۶۰۸	۰/۷۵۹۷
	تعداد کارگاه‌های صنعتی	۰/۷۸۱۳	۱۸/۵۷۴۴		
ساختار فرصتی (بیرونی)	سهم استان‌ها از بودجه ۹۵-۹۸	۰/۷۹۴۲	۱۸/۲۳۴۳	۰/۷۹۳۳	۰/۸۴۴۴
	سرمایه‌گذاری خارجی	۰/۷۳۱	۸/۵۵۹		
ساختار فرصتی (مهاجرت نخبگان)	مهاجرت نخبگان	-	-	-	-
سرمایه فرهنگی (آموزش نوین)	قدمت آموزش نوین	۰/۷۷۸۲	۱۷/۹۵۸۹	۰/۷۴۰۹	۰/۷۸۴۹
	قدمت آموزش عالی	۰/۷۱۸۲	۱۹/۱۴۶۴		
سرمایه اقتصادی	وضع طبقاتی افراد	۰/۶۸۸۹	۱۰/۷۴۲۶	۰/۵۵۳۹	۰/۷۹۵۳
	جمع درآمد یک خانوار روستایی	۰/۶۸۰۸	۵/۸۵۴۶		
	جمع درآمد یک خانوار شهری	۰/۸۳۶۷	۲۲/۱۴۶۴		
	استفاده‌کنندگان از لوازم عمده زندگی	۰/۷۱۵۶	۷/۵۸۵		
کنش اقتصادی بازاندیشانه (یادگیری)	گرایش به تغییر وضع موجود	۰/۶۷۳۷	۷/۰۶۰۱	۰/۶۱۶۴	۰/۸۴۱۸
	تمایل به زندگی در کشور دیگر	۰/۷۷۰۴	۱۱/۷۰۰۵		
	آینده‌نگری	۰/۷۱۵۵	۱۰/۴۵۶۲		
	ارزیابی از آینده اقتصادی	۰/۷۵۵۴	۱۳/۳۳۶۵		
کنش اقتصادی بازاندیشانه (کار)	اهمیت کار	۰/۷۷۶۲	۱۷/۵۶۰	۰/۵۸۱۴	۰/۸۹۱۳
	وجدان کاری	۰/۷۵۵۸	۱۸/۵۵۹		
	وقت‌شناسی در کار	۰/۸۳۴۴	۲۴/۵۶۸		
	سخت‌کوشی	۰/۸۸۵	۴۴/۹۳۷		

ادامه جدول شماره ۲:

متغیر	شاخص	بار عاملی	آماره T	AVE	CR
کنش اقتصادی بازاندیشانه (گسترش روابط ابزاری)	عدم رعایت انصاف	۰/۷۴۴۹	۵/۹۳۰	۰/۶۶۵۸	۰/۸۸۸۱
	روابط ابزاری	۰/۷۸۳۱	۱۱/۴۱۰		
	بی توجهی به روابط دوستانه در معاملات	۰/۸۸۴۸	۲۵/۹۸۹		
	گسترده‌ی روابط ابزاری	۰/۸۲۴۹	۱۵/۶۵۹		
	سودجویی	۰/۷۹۵۶	۱۵/۵۰۳		
	نقش زنان در اقتصاد خانواده	۰/۶۵	۴/۶۹۲		
	اعتقاد اشتغال زنان	۰/۶۸۹۴	۶/۶۱۲		
	بی توجهی به فقر خانوادگی	۰/۷۷۸۹	۱۳/۹۲۷		
	نسبت دانشجویان در مقاطع مختلف	۰/۵۶۴۹	۵/۹۱۸		
	میزان باسوادی	۰/۶۴۰۶	۵/۱۱۹۴		
توسعه فرهنگی	نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی	۰/۷۴۴۵	۶/۳۴۹۱	۰/۵۷۱۶	۰/۸۶۷
	زمان صرف شده برای مطالعه	۰/۷۶۳۷	۱۰/۲۱۶۱		
	عضویت در کتابخانه‌های عمومی	۰/۸۷۵	۲۱/۶۵۸		
	مطالعه روزنامه	۰/۸۱۷۷	۱۴/۵۸۶۵		
	سرانه مدت زمان مطالعه	۰/۷۵۲۱	۸/۶۹۱۵		
	سرانه مراجعه به کتابخانه	۰/۷۷۶۲	۱۷/۵۶۰		

به‌منظور بررسی شروط زمینه‌ای مؤثر بر سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی استان‌ها با دقت نظری و تجربی بیشتر، تحلیل علی برحسب گروه‌بندی‌های متنوع انجام شده است؛ هدف از تحلیل علی برحسب گروه‌بندی، کنترل بسترهای مؤثر و مهم در بروز نتیجه (سطح توسعه اقتصادی استان‌ها) و شناسایی ترکیب‌های علی متنوع برحسب سیستم‌های تجربی متفاوت بوده است. برش مبنای گروه‌بندی عبارتند از: «جایگاه نخبگان استان‌ها در ساختار سیاسی معاصر ایران»^۱. جدول زیر، نمونه‌های مورد بررسی را برحسب گروه‌بندی‌ها نشان می‌دهد. لازم به ذکر است مبنای انتخاب این برش‌ها براساس چارچوب نظری تحقیق بوده است.

۱- منظور از جایگاه نخبگان استان‌ها در ساختار سیاسی معاصر ایران، نقشی است که نخبگان سیاسی استان‌ها در ساختار قدرت در طول تاریخ معاصر ایران داشته‌اند. در این راستا با استفاده از داده‌های تاریخی استان‌ها بر مبنای نقشی که در قدرت سیاسی داشته‌اند به دو دسته تقسیم شدند: ۱- استان‌هایی که راجل شاخص تأثیرگذاری در قدرت سیاسی ایران در دوره پهلوی دوم و در دوره پس از انقلاب داشته‌اند. ۲- استان‌هایی که راجل شاخص تأثیرگذاری در قدرت سیاسی ایران در دوره پهلوی دوم و در دوره پس از انقلاب نداشته‌اند.

جدول شماره ۳: تعداد جوامع براساس تحلیل زیرنمونه‌ای

برش زمانی و مکانی	زیرنمونه‌ها	تعداد استان‌ها در زیرنمونه	درصد از کل استان‌ها
جایگاه نخبگان استان در ساختار سیاسی	وجود رجل سیاسی شاخص	۹	۲۹/۰
ساختار سیاسی	عدم وجود رجل سیاسی	۲۲	۷۱/۰

براساس جایگاه نخبگان استان‌ها در ساختار سیاسی معاصر ایران، ۹ استان (۲۹ درصد) شامل استان‌های تهران، آذربایجان شرقی، سمنان، یزد، کرمان، مازندران، مرکزی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی دارای نخبگان شاخص و تأثیرگذار هستند که در پست‌های رده اول سیاسی در دوره پهلوی دوم و در دوره پس از انقلاب فعالیت داشته‌اند و ۲۲ استان (۷۱ درصد) نخبگانی در مناصب مهم حکومتی نداشته‌اند و اگر هم داشته‌اند نقش آن‌ها شاخص و تأثیرگذار نبوده است. در واقع مراد از این بخش این است که به بررسی شروط علی در این زیر نمونه‌ها با کنترل شرایطی نظیر پیشینه تقسیمات کشوری و جایگاه نخبگان استان‌ها در ساختار سیاسی معاصر ایران پرداخته شود.

یافته‌های پژوهش

سطح توسعه اقتصادی استان‌های کشور براساس جایگاه نخبگان استان در ساختار سیاسی

بررسی میانگین سطح توسعه اقتصادی استان‌ها براساس جایگاه نخبگان استان در ساختار سیاسی نشان می‌دهد که میانگین توسعه‌یافتگی اقتصادی در زیر نمونه استان‌هایی که دارای رجل سیاسی شاخص هستند با میانگین $۰/۶۳$ بیشتر از زیرنمونه استان‌هایی است که دارای رجل سیاسی شاخص نیستند. وضعیت آماره‌های توصیفی این زیرگروه‌ها در جدول ذیل قابل مشاهده است. آزمون مقایسه میانگین سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی استان‌ها برحسب جایگاه نخبگان استان در ساختار سیاسی نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی استان‌ها براساس جایگاه نخبگان استان در ساختار سیاسی وجود دارد. همچنین طبق نتایج جدول زیر، تفاوت مشاهده شده بین دو میانگین براساس آزمون T برابر با $۲/۲۶۸$ است. سطح معنی‌داری این آزمون نیز برابر با $۰/۰۰۹$ می‌باشد، بنابراین با توجه به سطح معنی‌داری کمتر از $۰/۰۱$ تفاوت میانگین توسعه اقتصادی استان‌هایی که دارای رجل سیاسی شاخص با استان‌هایی که دارای رجل سیاسی شاخص نیستند، معنی‌دار است.

جدول شماره ۴: آماره‌های توصیفی و آزمون T نمره عضویت فازی سطح توسعه اقتصادی استان‌ها براساس جایگاه نخبگان استان در ساختار سیاسی

زیرنمونه‌ها	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین توسعه اقتصادی	انحراف معیار	T	DF	Sig
وجود رجنل سیاسی شاخص	۹	۰/۱۰	۰/۹۵	۰/۶۳	۰/۲۳	۰/۲۶۸	۲۹	۰/۰۰۹
عدم وجود رجنل سیاسی شاخص	۲۲	۰/۰۳	۰/۸۸	۰/۳۸	۰/۲۵			

تحلیل علی منفرد توسعه اقتصادی براساس وجود رجنل سیاسی شاخص

در ادامه به منظور درک بهتر، شروط زمینه‌ای مؤثر بر سطح توسعه اقتصادی استان‌های کشور هریک از زیرنمونه‌های استان‌ها برحسب جایگاه نخبگان استان در ساختار سیاسی به تفکیک بررسی می‌شود.

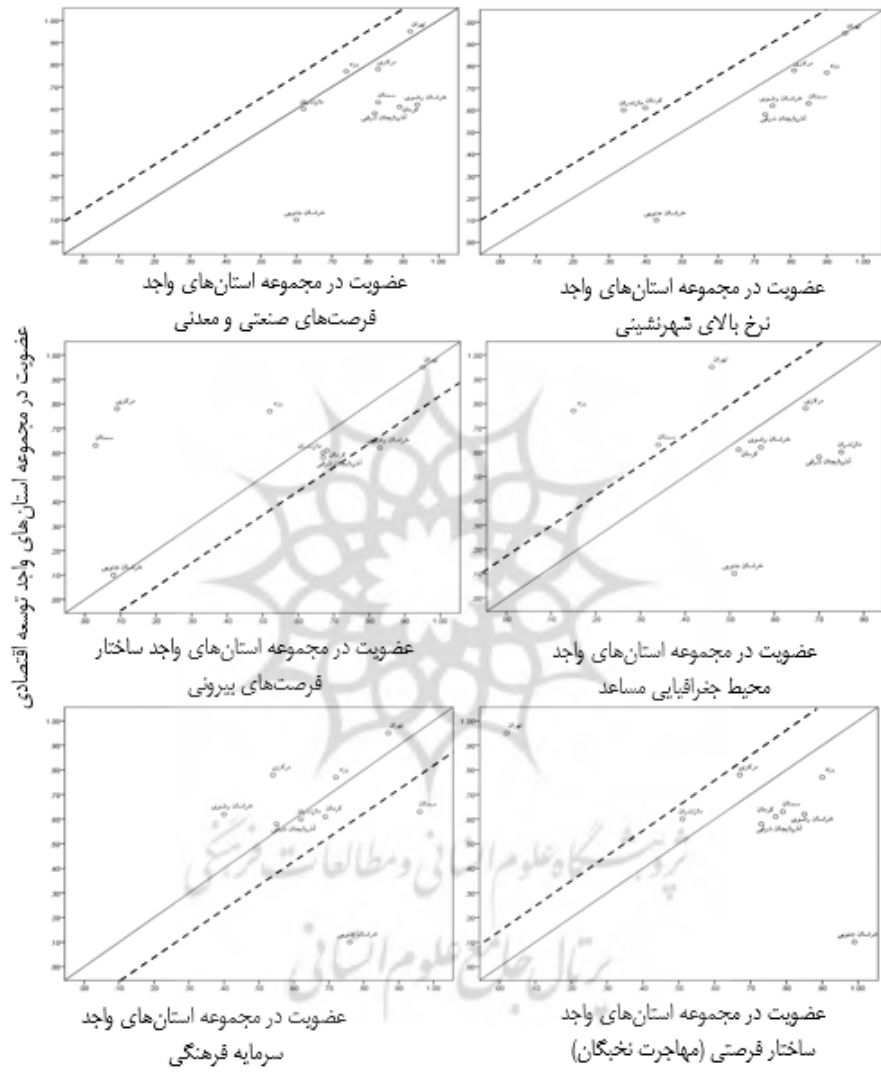
جدول شماره ۵: تحلیل علی منفرد توسعه اقتصادی استان‌های واجد رجنل سیاسی شاخص

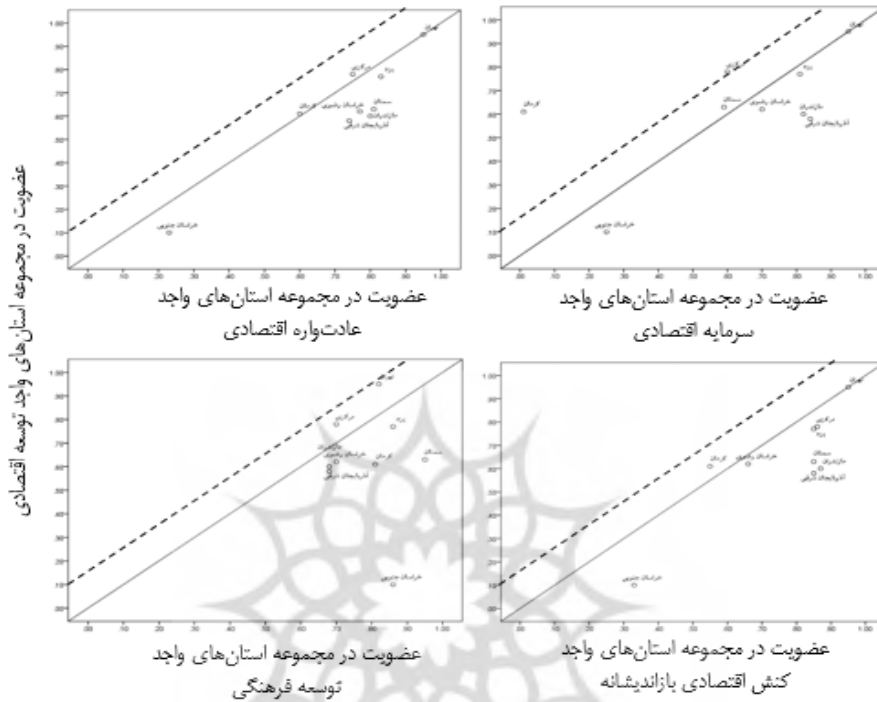
بعد نظری	شروط علی	تعیین اولیه نوع شرط		اهمیت نظری و تجربی شرط
		شاخص ضرورت	شاخص کفایت	
سرمایه اجتماعی (شهرنشینی)	عضویت در مجموعه استان‌های واجد شهرنشینی بالا	۰/۹۱۷	۰/۸۳۹	۰/۸۳۹
	عضویت در مجموعه استان‌های واجد صنعت و معدن بالا	۰/۹۸۹	۰/۷۷۶	۰/۷۷۶
ساختار فرصتی	عضویت در مجموعه استان‌های واجد محیط جغرافیایی مستعد	۰/۸۵۴	۰/۷۰۷	۰/۷۰۷
	عضویت در مجموعه استان‌های واجد فرصت بیرونی بالا	۰/۷۲۳	۰/۹۰۳	۰/۹۰۳
	عضویت در مجموعه استان‌های واجد مهاجرت پایین نخبگان	۰/۸۰۰	۰/۷۲۴	۰/۷۲۴

ادامه جدول شماره ۵:

شخص پوشش	تعیین اولیه نوع شرط		شروط علی	بعد نظری
	شاخص	نوع شرط		
۰.۸۵۵	۰.۸۶۵	کافی	عضویت در مجموعه استان‌های واجد سرمایه اقتصادی بالا	سرمایه فرهنگی
۰.۸۹۰	۰.۸۲۲	لازم	عضویت در مجموعه استان‌های واجد سرمایه فرهنگی بالا	سرمایه اقتصادی
۰.۹۹۳	۰.۸۶۴	لازم	عضویت در مجموعه استان‌های واجد عادتواره اقتصادی	عادتواره اقتصادی
۰.۹۸۹	۰.۸۲۴	لازم	عضویت در مجموعه استان‌های واجد کنش اقتصادی	کنش اقتصادی بازاندیشانه
۰.۹۶۳	۰.۷۶۹	لازم	عضویت در مجموعه استان‌های توسعه‌یافته فرهنگی	توسعه فرهنگی

بررسی شروط علی مؤثر بر سطح توسعه اقتصادی در استان‌های واجد رُجُل سیاسی شاخص نشان می‌دهد که ده شرط علی دارای شاخص سازگاری و پوشش مناسبی هستند و بر درجه عضویت این استان‌ها در مجموعه استان‌های توسعه‌یافته اقتصادی مؤثرند. طبق شاخص ضرورت و کفایت، محیط جغرافیایی مساعد، فرصت‌های بیرونی و سرمایه اقتصادی به‌عنوان شرط کافی و نرخ بالای شهرنشینی، فرصت‌های صنعتی و معدنی، نرخ پایین مهاجرت نخبگان، سرمایه فرهنگی، عادتواره اقتصادی کنش اقتصادی بازاندیشانه و توسعه فرهنگی به‌عنوان شرط لازم عمل می‌کنند. مطابق با تحلیل علی منفرد، در استان‌های تهران، آذربایجان شرقی، سمنان، یزد، کرمان، مازندران، مرکزی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی که دارای نخبگان شاخص و تأثیرگذار بوده‌اند، استان‌هایی که دارای شروط علی فوق‌الذکر هستند، درجه عضویت بالاتری در مجموعه استان‌های توسعه‌یافته اقتصادی هستند. شکل‌های زیر، وضعیت این استان‌ها را در این ده شرط نشان می‌دهد.





تحلیل ترکیب علی توسعه اقتصادی استان‌های واجد رطل سیاسی شاخص

تحلیل علی منفرد، شروط علی موثر بر سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی استان‌های واجد رطل سیاسی شاخص را متمایز کرد، حال در پی آن هستیم که بدانیم چه ترکیبی از شروط علی و به عبارتی چه ترکیب‌های علی وجود دارد که می‌تواند سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی در استان‌های رطل سیاسی شاخص را تسهیل کند. در ادامه با استفاده از نرم‌افزار FS/QCA و تحلیل به روش Truth Table Algorithm به واکاوی ترکیب‌های علی پرداخته شد. از میان ترکیب‌های گوناگون ارائه‌شده، ترکیب‌هایی که دارای شاخص سازگاری مناسبی باشند (آستانه‌ی ۰/۷۵ به‌عنوان سطح قابل قبول نظری) به‌عنوان ترکیب‌های علی نهایی معرفی می‌شوند. جدول صدق و کذب زیر (جدول شماره پنج)، ترکیب‌های علی گوناگون را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه ده شرط علی وارد جدول صدق و کذب شده‌اند، از ترکیب این ده شرط علی، ۱۰۲۴ ترکیب علی ممکن به دست می‌آید (2^{10} که k تعداد شرط علی است). از این ۱۰۲۴ ترکیب علی ممکن، با توجه به ملاک تعداد جوامع در ترکیب علی، ترکیب‌های علی کمتر از ۲ استان نیز از تحلیل حذف شدند و در نهایت نه ترکیب دارای داده تجربی باقی ماند. در جدول شماره شش، این نه ترکیب و اطلاعات مربوط به آنها آمده است. از میان ترکیب‌های گوناگون ارائه‌شده، ترکیب‌هایی

که دارای شاخص سازگاری مناسبی باشند (آستانه‌ی ۰/۷۵ به‌عنوان سطح قابل قبول نظری) به‌عنوان ترکیب‌های علی نهایی معرفی می‌شوند. جدول صدق و کذب زیر، ترکیب‌های علی گوناگون را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه ده شرط علی وارد جدول صدق و کذب شده‌اند، معیار شاخص سازگاری، هر نه ترکیب دارای شاخص سازگاری بالاتر از ۰/۷۵ است و بنابراین نه ترکیب علی در تحلیل شروط علی مؤثر بر سطح توسعه اقتصادی وجود دارد:

جدول شماره ۶: ترکیب‌های علی شروط علی مؤثر بر توسعه اقتصادی استان‌های واجد رول سیاسی شاخص به روش جدول صدق و کذب

کد ترکیب	شاخص سازگاری	شروط علی										
		تعداد استان‌ها در ترکیب علی	سرمایه فرهنگی	سرمایه اقتصادی	مهاجرت نخبگان پایین	فرصت‌های بیرونی	فرصت‌های صنعتی و معدنی	محیط جغرافیایی مساعد	شه‌نشینی	کش اقتصادی بازاندیشانه	عادت‌واره اقتصادی	توسعه فرهنگی
۱	۱.۰۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱.۰۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱.۰۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۰.۹۴	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۰.۹۵	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱.۰۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱.۰۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۱	۱.۰۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۱	۰.۷۶	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱

در نهایت مطابق جدول شماره هفت، با استفاده از قواعد ساده‌سازی فازی، پنج ترکیب نهایی برای تبیین سطح توسعه اقتصادی استان‌های واجد رول سیاسی شاخص باقی مانده است که مشخصات آن در جدول شش آمده است. پنج ترکیب علی زیر به‌عنوان ترکیب‌های علی تأثیرگذار بر سطح توسعه اقتصادی استان‌های واجد رول سیاسی شاخص وجود دارد که شاخص سازگاری هر پنج ترکیب، از آستانه مورد نظر بالاتر است و بنابراین به لحاظ نظری قابل پذیرش است، همچنین پنج ترکیب قدرت تبیین تجربی بالای را به خود اختصاص داده است (به ترتیب شاخص پوشش خام ۰/۵۷، ۰/۳۳، ۰/۳۹، ۰/۳۳، ۰/۲۳)؛

ترکیب اول: توسعه فرهنگی * کنش اقتصادی بازاندیشانه * عادت‌واره اقتصادی * سرمایه اقتصادی * سرمایه فرهنگی * نرخ پایین مهاجرت نخبگان * فرصت‌های صنعتی و معدنی * شهرنشینی اقتصادی * توسعه فرهنگی * کنش اقتصادی بازاندیشانه * عادت‌واره اقتصادی * سرمایه اقتصادی * محیط جغرافیایی مساعد * فرصت‌های بیرونی * نرخ پایین مهاجرت نخبگان * فرصت‌های صنعتی و معدنی * شهرنشینی

ترکیب سوم: توسعه فرهنگی * کنش اقتصادی بازاندیشانه * عادت‌واره اقتصادی * سرمایه اقتصادی * سرمایه فرهنگی * محیط جغرافیایی مساعد * فرصت‌های بیرونی * فرصت‌های صنعتی و معدنی * شهرنشینی

ترکیب چهارم: توسعه فرهنگی * کنش اقتصادی بازاندیشانه * عادت‌واره اقتصادی * سرمایه اقتصادی * محیط جغرافیایی مساعد * فرصت‌های بیرونی * نرخ پایین مهاجرت نخبگان * فرصت‌های صنعتی و معدنی * شهرنشینی

ترکیب پنجم: توسعه فرهنگی * کنش اقتصادی بازاندیشانه * عادت‌واره اقتصادی * سرمایه اقتصادی * سرمایه فرهنگی * محیط جغرافیایی مساعد * فرصت‌های بیرونی * نرخ بالای مهاجرت نخبگان * فرصت‌های صنعتی و معدنی * شهرنشینی

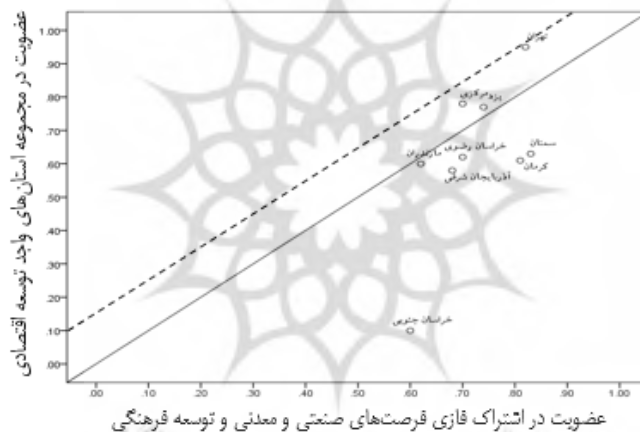
همان‌طور که بیان شد شاخص سازگاری هر پنج ترکیب، از آستانه مورد نظر بالاتر است و بنابراین به لحاظ نظری قابل پذیرش است، همچنین پنج ترکیب قدرت تبیین تجربی بالایی را به خود اختصاص داده است؛ طبق ترکیب اول، توسعه فرهنگی، کنش اقتصادی بازاندیشانه، عادت‌واره اقتصادی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، نرخ پایین مهاجرت نخبگان، فرصت‌های صنعتی و معدنی و شهرنشینی ترکیب علی کافی برای سطح توسعه اقتصادی استان‌ها است. استان‌های یزد، سمنان، آذربایجان شرقی و مرکزی از جمله استان‌هایی بوده‌اند که در این ترکیب علی اشتراک داشتند. طبق ترکیب دوم، توسعه فرهنگی، کنش اقتصادی بازاندیشانه، عادت‌واره اقتصادی، سرمایه اقتصادی، محیط جغرافیایی مساعد، فرصت‌های بیرونی، نرخ پایین مهاجرت نخبگان، فرصت‌های صنعتی و معدنی، نرخ پایین شهرنشینی به عنوان یک بستر، ترکیب علی مؤثری برای تبیین سطح توسعه اقتصادی استان‌ها است. استان‌های کرمان و مازندران از جمله استان‌هایی بوده‌اند که در این ترکیب علی اشتراک داشتند. طبق ترکیب سوم، توسعه فرهنگی، کنش اقتصادی بازاندیشانه، عادت‌واره اقتصادی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، نبود ساختار محیطی مساعد، فرصت‌های بیرونی، فرصت‌های صنعتی و معدنی و شهرنشینی نیز به عنوان یک بستر، ترکیب علی مؤثری برای تبیین سطح توسعه اقتصادی استان‌های واجد راجل سیاسی

شاخص است. استان‌های تهران و یزد از جمله استان‌هایی بوده‌اند که در این ترکیب علی‌الشرک داشتند. در ترکیب چهارم؛ توسعه فرهنگی، کنش اقتصادی بازانديشانه، عادت‌واره اقتصادی، سرمایه اقتصادی، ساختار محیطی مساعد، فرصت‌های بیرونی، نرخ پایین مهاجرت نخبگان، فرصت‌های صنعتی و معدنی و شهرنشینی به عنوان یک بستر دیگر، ترکیب علی مؤثری برای تبیین سطح توسعه اقتصادی استان‌های واجد رطل سیاسی شاخص است. استان‌های آذربایجان شرقی و خراسان رضوی از جمله استان‌هایی بوده‌اند که در این ترکیب علی‌الشرک داشتند. و در نهایت در ترکیب پنجم؛ توسعه فرهنگی، عدم وجود سرمایه اقتصادی، ساختار محیطی نامساعد، عدم وجود فرصت‌های بیرونی، نرخ بالای مهاجرت نخبگان، عدم وجود فرصت‌های صنعتی و معدنی و نرخ پایین شهرنشینی ترکیب علی مؤثری برای تبیین سطح توسعه اقتصادی استان خراسان جنوبی به عنوان یکی از استان‌های واجد رطل سیاسی شاخص است.

جدول شماره ۷: مسیرهای نهایی مؤثر بر توسعه اقتصادی استان‌های واجد رطل سیاسی شاخص

شاخص کل		شاخص مسیر			ترکیب علی
سازگاری	پوشش نام	پوشش رطل	سازگاری رطل	پوشش رطل	
۰.۹۶	۰.۵۷	۰.۱۸			توسعه فرهنگی * کنش اقتصادی بازانديشانه * عادت‌واره اقتصادی * سرمایه اقتصادی * سرمایه فرهنگی * نرخ پایین مهاجرت نخبگان * فرصت‌های صنعتی و معدنی * شهرنشینی
۱.۰۰	۰.۳۳	۰.۰۷	۰.۹۳	۰.۴۱	توسعه فرهنگی * کنش اقتصادی بازانديشانه * عادت‌واره اقتصادی * سرمایه اقتصادی * محیط جغرافیایی مساعد * فرصت‌های بیرونی * نرخ پایین مهاجرت نخبگان * فرصت‌های صنعتی و معدنی * شهرنشینی
۱.۰۰	۰.۳۹	۰.۰۹			توسعه فرهنگی * کنش اقتصادی بازانديشانه * عادت‌واره اقتصادی * سرمایه اقتصادی * سرمایه فرهنگی * محیط جغرافیایی مساعد * فرصت‌های بیرونی * فرصت‌های صنعتی و معدنی * شهرنشینی
۰.۹۵	۰.۳۳	۰.۰۴	۰.۹۳	۰.۴۱	توسعه فرهنگی * کنش اقتصادی بازانديشانه * عادت‌واره اقتصادی * سرمایه اقتصادی * محیط جغرافیایی مساعد * فرصت‌های بیرونی * نرخ پایین مهاجرت نخبگان * فرصت‌های صنعتی و معدنی * شهرنشینی
۰.۷۵	۰.۲۳	۰.۰۲			توسعه فرهنگی * کنش اقتصادی بازانديشانه * عادت‌واره اقتصادی * سرمایه اقتصادی * سرمایه فرهنگی * محیط جغرافیایی مساعد * فرصت‌های بیرونی * نرخ بالای مهاجرت نخبگان * فرصت‌های صنعتی و معدنی * شهرنشینی

پنج ترکیب علی فوق، بیشترین قدرت تجربی در تبیین سطح توسعه اقتصادی استان‌های واجد رُجل سیاسی شاخص را دارند. در میان ترکیب‌های علی مهم که شاخص سازگاری و پوشش مناسبی دارند، دو شرط توسعه فرهنگی و فرصت‌های صنعتی و معدنی مشترک هستند و به‌عنوان شرط لازم نهایی^۱ معرفی می‌شوند. شکل زیر، اشتراک فازی این دو شرط را در این استان‌ها نشان می‌دهد (ضرورت: $0/831$ و کفایت: $0/957$). هماگونه که از شکل زیر قابل دریافت است، اشتراک فازی دو شرط به‌صورت شرط لازم با قوت نظری (شاخص سازگاری = $0/957$) و تجربی بالا (شاخص پوشش = $0/831$) به مثابه یک بستر، توانسته سطح توسعه اقتصادی استان‌های واجد رُجل سیاسی شاخص را تبیین کند.



شکل شماره ۲: وضعیت عضویت استان‌ها (کل نمونه) در اشتراک فازی دو شرط علی و مجموعه استان‌های دارای رُجل سیاسی توسعه یافته اقتصادی

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به‌منظور بررسی شروط علی مؤثر بر سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی استان‌ها با دقت نظری و تجربی بیشتر، تحلیل علی برحسب تحلیل زیرنمونه‌ای انجام شد؛ هدف از تحلیل زیرنمونه‌ای، کنترل بسترهای مؤثر و مهم در بروز نتیجه (سطح توسعه اقتصادی استان‌ها) و شناسایی ترکیب‌های علی متنوع برحسب نظام‌های تجربی متفاوت بود. بررسی میانگین سطح توسعه اقتصادی استان‌ها براساس جایگاه نخبگان استان در ساختار سیاسی نشان می‌دهد که میانگین توسعه‌یافتگی اقتصادی در زیر نمونه استان‌هایی که دارای رُجل سیاسی شاخص هستند

با میانگین ۰/۶۳ بیشتر از زیرنمونه استان‌هایی است که دارای رُجُل سیاسی شاخص نیستند و این تفاوت معنی‌دار است. بنابراین نخبگان سیاسی شاخص نقشی مهم در توسعه اقتصادی استان زادگاه خود داشته‌اند چراکه سطح توسعه‌یافتگی استان‌های واجد رُجُل سیاسی شاخص و فاقد رُجُل سیاسی شاخص متفاوت است. هرچند در برخی استان‌ها صرف وجود رُجُل سیاسی شاخص در ساختار سیاسی معاصر ایران، توسعه اقتصادی به همراه نداشته است. استان‌هایی نظیر خراسان جنوبی، با وجود رُجُل سیاسی شاخص در ساختار سیاسی معاصر ایران، همچنان با عدم توسعه اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند. لذا وجود رُجُل سیاسی شاخص در ساختار سیاسی معاصر ایران تنها یکی از متغیرهای مدنظر تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی استان‌ها است و بایستی به موازات وجود نخبگان سیاسی، شروطی در جامعه حضور داشته باشد تا توسعه اقتصادی اتفاق بیافتد.

نتایج شروط لازم و کافی منفرد نشان می‌دهد که در استان‌های واجد رُجُل سیاسی شاخص، ده شرط زمینه‌ای دارای شاخص سازگاری و پوشش مناسبی هستند و بر درجه عضویت این استان‌ها در مجموعه استان‌های توسعه‌یافته اقتصادی مؤثرند. طبق شاخص ضرورت و کفایت، ساختار فرصتی (محیطی)، ساختار فرصتی (بیرونی) و سرمایه اقتصادی به‌عنوان شرط کافی و سرمایه اجتماعی (شهروندی)، ساختار فرصتی (صنعت و معدن)، ساختار فرصتی (مهاجرت نخبگان)، سرمایه فرهنگی، عادت‌واره اقتصادی کنش اقتصادی بازان‌دیشانه و توسعه فرهنگی به‌عنوان شرط لازم عمل می‌کنند. مطابق با تحلیل علی منفرد، در استان‌های تهران، آذربایجان شرقی، سمنان، یزد، کرمان، مازندران، مرکزی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی که دارای نخبگان شاخص و تأثیرگذار بوده‌اند، استان‌هایی که دارای شروط علی فوق‌الذکر هستند، درجه عضویت بالاتری در مجموعه استان‌های توسعه‌یافته اقتصادی هستند. در علیت‌های عطفی و ترکیبی، از میان مسیرهای متعدد علی، پنج ترکیب، بر اساس معیارهای کفایت نظری و تجربی (ضریب پوشش و سازگاری) دارای اهمیت نظری و تجربی لازم است و بیشترین قدرت تجربی در تبیین سطح توسعه اقتصادی استان‌های واجد رُجُل سیاسی شاخص را دارند. در میان ترکیب‌های علی مهم که شاخص سازگاری و پوشش مناسبی دارند، دو شرط توسعه فرهنگی و فرصت‌های صنعتی و معدنی مشترک هستند و به‌عنوان شرط لازم نهایی معرفی می‌شوند.

طبق نتایج این پژوهش و براساس دیدگاه نظری پژوهش (بورديو، ۲۰۰۵؛ بورديو، ۲۰۱۷؛ بورديو و همکاران، ۱۹۶۳) توسعه اقتصادی، تابعی از وجود نخبگان، کنش اقتصادی کنشگران، عادت‌واره اقتصادی کنشگران و ساختارهای اقتصادی و فرهنگی درونی و بیرونی است. بنابراین برای تحقق هدف مورد نظر ضرورت دارد توسعه اقتصادی به موازات ترکیب‌های فوق‌الذکر محقق شود. چراکه در فقدان عوامل مذکور نمی‌توان انتظار توسعه اقتصادی داشت و وجود

نخبگان سیاسی در استانی می‌تواند توسعه اقتصادی به همراه داشته باشد که آن جامعه حائز شروط عاطفی و ترکیبی مذکور باشد. به عبارت دیگر براساس آن‌چه در تبیین توسعه اقتصادی لازم دیدیم، نیاز داریم تا همه‌ی این شروط و مسیرها را به مثابه یک فرایند واحد بازسازی کنیم. چراکه توسعه اقتصادی در صورتی محقق می‌شود که استان‌های کشور واجد شروط توسعه اقتصادی باشند. و در صورت عدم وجود این شروط، نمی‌توان از توسعه اقتصادی سخن گفت. بنابراین تأکید صرف بر ساختارها در ایران، توسعه اقتصادی به همراه نداشته، بطور مثال استان‌هایی در ایران هستند که با وجود ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی مناسب از سطح پایین توسعه اقتصادی برخوردار هستند. لذا تأکید بر ساختار تنها توجه به یک بعد توسعه است و می‌بایست به موازات این بعد، عواملی دیگر در جامعه حضور داشته باشد. نکته قابل تأمل در این پژوهش نقش عادت‌واره اقتصادی و کنش اقتصادی بازاندیشانه در تبیین توسعه اقتصادی است. لذا برای تحقق توسعه اقتصادی ضرورت دارد به موازات تأکید بر ابعاد ساختاری توسعه اقتصادی، بر حفظ، بازآفرینی و تولید عادت‌واره‌های اقتصادی مدرن تأکید شود چراکه در فقدان عادت‌واره‌های اقتصادی نظیر اخلاق اعتبار، عقلانیت اقتصادی و سنت‌گرایی تحمیلی پایین نمی‌توان انتظار توسعه اقتصادی داشت. همچنین در فقدان کنش اقتصادی بازاندیشانه نظیر یادگیری، کار، روابط ابزاری و محاسبه‌گری نمی‌توان از توسعه اقتصادی سخن گفت، لذا لازم است در برنامه‌ریزی‌ها و تدوین الگوهای توسعه، علاوه بر ساختارهای اجتماعی به نقش کلیدی عاملان اجتماعی بویژه جنبه‌های مثبت عادت‌واره‌های اقتصادی و کنش اقتصادی بازاندیشانه، نیز تأکید شود.

بنابراین نیازمند شبکه پیچیده‌ای از آموزش، نظارت و ابزارهای تشویقی برای تغییر رفتارهای اقتصادی و فرهنگی مردم در شرایط مختلف از جمله برنامه‌ریزی‌های خانوادگی، پس‌انداز، مالکیت، تحصیلات و شغل هستیم. همان‌گونه که موزی و میلن^۱ (۱۳۹۸: ۴۲-۴۱) بر این نکته درباره نقش دولت سنگاپور در توسعه اقتصادی تأکید کرده‌اند. در واقع ضمن تأکید بر نقش ساختارها، اهمیت نقش عادت‌واره‌های اقتصادی و فرهنگی و نیز کنش اقتصادی و فرهنگی در توسعه بسیار مهم است چراکه در شرایط آنومیک جامعه ایران، باید به نقش آموزش و جامعه‌پذیری افراد از طریق نهادهای مختلف جامعه تأکید کنیم.

منابع

- اکبری، حسین (۱۳۹۰). *بررسی تطبیقی تاریخی عوامل و موانع تشکیل اجتماع ملی در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران*. دانشگاه شهید بهشتی، رساله دکتری در رشته جامعه‌شناسی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴). *گزار به دموکراسی*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۸). شاخص‌سازی تابع عضویت فازی، نوع‌شناسی و واسنجی در جامعه‌شناسی، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ویژه‌نامه روش‌شناسی، دوره سوم، شماره ۴ (شماره پیاپی ۸): صص ۲۸-۶.
- راگین، چارلز سی (۱۳۹۴). *بازطراحی بررسی‌های اجتماعی: مجموعه‌های فازی و فراتر از آن*. ترجمه خلیل میرزایی، هادی برغم‌دی و فرید ناهید، چاپ اول، تهران: فوژان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). *سالنامه‌های آماری*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سالنامه‌های آماری*.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵). *سامان سیاسی در جوامع دست‌خوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- یزدانی‌نسب، محمد (۱۳۹۵). نقش نخبگان در توسعه سیاسی و اقتصادی (مطالعه موردی چندگانه تاریخی با تأکید بر ایران). دانشگاه شهید بهشتی تهران، رساله دکتری در رشته جامعه‌شناسی.
- یزدانی‌نسب، محمد و اسدزاد، لیلا (۱۳۹۵). نقش نخبگان چندگانه در انقلاب مشروطه ایران، *مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری*، ۴ (۷۱)، ۳۷-۷۰.
- موزی، دیان و میلن، آر. اس (۱۳۹۸). *سنگاپور: معماران مدرن*. ترجمه داود حیدری، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- Bourdieu, P. (2005). *The Social Structures of the Economy*. Cambridge: Polity Press.
- Bourdieu, P. (2017). *Habitus. In Habitus: A sense of place*. Routledge.
- Bourdieu, P., & Accardo, A. (1999). *The weight of the world: Social suffering in contemporary society*. Alhoda UK.
- Bourdieu, P., Boltanski, L., & Chamboredon, J. C. (1963). *La Banque et sa clientèle. éééém s d'une socioogie du crédit*, Paris: Centre de sociologie européenne de l'Éco e Prqqqqe desaaa aÉesÉÉÉdes.
- Bourdieu, P., Darbel, A., Rivet, J.-P. & Seibel, C. (1963) *Travail et travailleurs en Algérie*. Paris: Mouton & Co.
- Byrne, B. M. (2010). *Structural Equation Modeling with AMOS Bcasic Concepts, Applications, and Programming*. New York: Taylor and Francis Group.
- Hulland, J. (1999). "Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: a review of four recent studies", *Strategic Management Journal* 20(2):195-204.

- Kutscherauer, Alois, et al (2010) *Regional Disparities in Regional Development of The Czech*.
- Lebaron, F. (2004) *Pierre Bourdieu's Economic Models against Economicism*, pp. 87–101 in David Swartz and Vera Zolberg (eds) *After Bourdieu: Influence, Critique, Elaboration*. Dordrecht: Kluwer.
- Ragin, C. C. (2008). *Redesigning social inquiry: Fuzzy sets and beyond*. Chicago: University of Chicago Press.
- Silva, E., & Warde, A. (Eds.). (2010). *Cultural Analysis and Bourdieu's legacy: Settling accounts and developing alternatives*. Routledge.
- Ståhlbröst, A. (2012). A set of key principles to assess the impact of living labs. *International Journal of Product Development*, 17(1-2), 60-75.
- Steinmetz, G. (2011). Bourdieu, historicity, and historical sociology. *Cultural Sociology*, 5(1), 45-66.
- Swedberg, R. (2011). The economic sociologies of Pierre Bourdieu. *Cultural Sociology*, 5(1), 67-82.

